



نیم نگاهی به ازدواج امام علی (ع) و حضرت زهرا (س)

نخستین روز از آخرین ماه سال قمری، سالروز پیوندی آسمانی است که دیگر هیچ گاه مانند آن در تاریخ تکرار نشد. علی علیه السلام، پیشوای پارسایان با فاطمه علیهاالسلام، برترین بانوی جهان پیمان عشق بست و خدا، والاترین فرستاده خویش را بر این پیمان گواه گرفت.

نخستین روز از آخرین ماه سال قمری، سالروز پیوندی آسمانی است که دیگر هیچ گاه مانند آن در تاریخ تکرار نشد. علی علیه السلام، پیشوای پارسایان با فاطمه علیهاالسلام، برترین بانوی جهان پیمان عشق بست و خدا، والاترین فرستاده خویش را بر این پیمان گواه گرفت.

برکت این ازدواج، عمری به گستردگی آفتاب دارد؛

هم چنان که یاد و نام آن در تاریخ برای همیشه مانا گردید. اول ذیحجه، روزی مبارک برای همه نوگامانی است که دل به زندگی فاطمی علیهاالسلام داده اند تا شادی خود را با خاطره همیشه روشن آن روز مبارک، پیوند زنند.

* فاطمه علیهاالسلام، برترین بانو

فاطمه علیهاالسلام به نه سالگی رسیده بود. رشد جسمانی مناسب آن حضرت و رشد و کمال عقلی بانوی فضیلت ها، سبب شده بود که با وجود کمی سن، گوی سبقت از همه برباید و یکه تاز میدان فضیلت ها گردد. ایمان والا، پارسایی بی نظیر، آگاهی، ذهن سرشار و هوش فراوان و نیز بهره مندی از زیبایی، وی را از همه دختران دیگر ممتاز ساخته بود. توجه و مهرورزی بی پایان رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بر امتیازات او افزوده بود. کمالات بی شمار فاطمه علیهاالسلام، دختر محمد صلی الله علیه و آله آخرین فرستاده خدا باعث شد تا سرشناسان شهر، به رسم دیرین عرب او را از پیامبر خواستگاری کنند.

* عروس بی همت

اشراف عرب دختران خود را به کسانی می دادند که در قبیله و قدرت و زر و زور مثل آنها باشند. روی این عادت دیرینه، اشراف و بزرگانی اصرار داشتند که با دختر گرامی پیامبر،

فاطمه علیهاالسلام ازدواج کنند؛ غافل از آنکه این دختر با همه دختران دیگر فرق داشته و به موجب آیه مباهله مقام بلندی دارد. فاطمه علیهاالسلام به تصریح آیه تطهیر معصوم بود و شوهری جز معصوم نمی توانست داشته باشد؛ از این رو، پیامبر از طرف خدا مأمور بود که در پاسخ خواستگاران بگوید ازدواج فاطمه باید به فرمان خدا صورت گیرد.

* کسی مانند زهرا علیهاالسلام

سفارش اسلام در ازدواج، توجه به هم شأنی عروس و داماد است، و یکی از مهم ترین موارد هم شأنی، هم ترازوی در ایمان و اسلام است. در جریان ازدواج حضرت فاطمه علیهاالسلام نیز افراد زیادی خواهان ازدواج با ایشان بودند؛ کسانی که از جایگاه اجتماعی یا اقتصادی بالایی برخوردار بودند، ولی همه آنها با جواب رد روبرو شد. تقدیر الهی برای فاطمه علیهاالسلام برتر از آن بود که فکرهای مادی می انگاشتند.

اصحاب پیامبر فهمیده بودند که جریان ازدواج

فاطمه علیهاالسلام آسان نیست و هر فردی نمی تواند با او ازدواج کند؛ هرچند جایگاه مادی و اجتماعی بالایی داشته باشد. شوهر فاطمه علیهاالسلام باید شخصیتی باشد که از نظر کمالات معنوی و سجایای اخلاقی، پشت سر پیامبر بوده و چنین فردی کسی نبود غیر از علی بن ابی طالب علیه السلام، همراه همیشه پیامبر صلی الله علیه و آله.

* عشق علی علیه السلام

پاسخ های منفی پیامبر صلی الله علیه و آله و

دخترش فاطمه علیهاالسلام، و نیز توجه ویژه آن

حضرت به علی بن ابی طالب علیه السلام، جمعی را بر آن داشت که برای این وصلت سهمی ایفا کنند. به همین دلیل روزی به در خانه علی علیه السلام آمدند تا او را برای خواستگاری فاطمه علیهاالسلام تشویق کنند. او در منزل نبود. دانستند که در نخلستان مشغول آبیاری است. به آنجا روانه شدند و حضرت را مشغول کار دیدند.

یکی از آنان پیشنهاد خواستگاری را مطرح کرد. چشمان علی علیه السلام پر از اشک شد و فرمود: «احساساتم را به هیجان

آوردی و آرزوی دیرینه ام را بیدار کردی. به خدا سوگند فاطمه مورد خواست و رغبت من است، ولی چه کنم که دستم خالی است». آن مرد گفت: تو می دانی که همه دنیا نیز پیش خدا و پیامبرش ناچیز است و پیامبر به مال و ثروت چشم ندارد. علی علیه السلام کار آب دهی نخلستان را رها کرد، شترش را به خانه آورد و آن را بست و خود را برای رفتن به خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله آماده کرد.

* علی علیه السلام در خانه

پیامبر صلی الله علیه و آله

هنگامی که حضرت علی علیه السلام برای خواستگاری فاطمه علیها السلام رفت، پیامبر در خانه ام سلمه بود.

علی علیه السلام در زد. ام سلمه پرسید: کیست؟ قبل از پاسخ خواستگار، پیامبر دستور داد: «در را باز کن و بگو داخل شود. کسی پشت در است که محبوب خدا و رسول است». علی علیه السلام وارد شد، سلام کرد و در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله نشست.

چشمان خود را بر زمین دوخت. شرم از پیامبر صلی الله علیه و آله مانع گفتن خواسته اش می شد. پیامبر صلی الله علیه و آله که خود علی علیه السلام را بزرگ کرده و از روحيات او باخبر است، سکوت را شکست و فرمود: «می بینم برای حاجتی اینجا آمده ای. خواسته ات را بر زبان آور و آنچه در دل داری بازگو که خواسته ات پیش من پذیرفته است».